

«هو الحکیم»

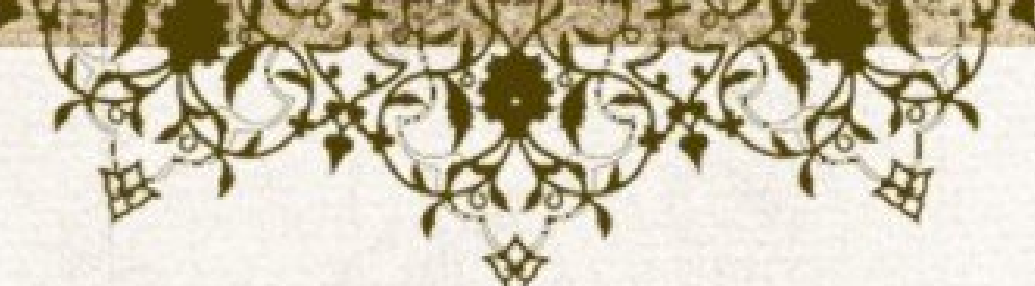
«قدرت خدا بر امر محال تعلق نمی گیرد.»

سخنران:


دکتر باقرپور کاشانی



از این سوالات زیاد مطرح می‌کنن: آیا خدا یکه مثل خودش رو می‌تونه خلق بکنه؟! خدا مثل خودش رو خلق بکنه! خب این چه جواب می‌دیم؟ اگه بگیم می‌تونه، می‌گه خب چه دلیله داره یکه خدا، شاید خلق کرده، دوتا خدا باشه! اگه بگیم نمی‌تونه، می‌گه کجا گفته پس شما گفته علی کل شیء قدیر پس نمی‌تونه دیگه! ضعیفه دیگه! این سرے سوالات، سوالات اشتباهه هست. بلهش هم اشتباهه، خیرش هم اشتباهه. جوابش اینه که قدرت خدا بر امر محال تعلق نمی‌گیره! چطور؟ چون می‌گیم خدا یکه مثل خودش رو می‌تونه خلق بکنه؟



اگه بتونه خلق بکنه که او مخلوقه، خدا نیست! اگر خداست که دیگه خلق شده نیست! این پارادوکس! تناقض! و این امر محاله! قدرت خداوند بر امر محال تعلق نمی‌گیره! یا سؤالی که از قدیم از امیرالمؤمنین علیه‌السلام پرسیدن از حضرت صادق علیه‌السلام هم پرسیدن؛ که از حضرت امیر سؤال می‌کنن: آیا خدا می‌تواند کره‌ی زمین رو داخل تخم مرغ قرار بده؟ حالا به وجهی که ظرفیت تخم مرغ، حجم تخم مرغ همین اندازه باشه، حجم زمین هم به همین اندازه باشه، همون اندازه‌ای که هست. تخم مرغ بزرگ نشه، زمین کوچک نشه! تغییر نکنه.



حضرت امیر فرمودن نه! قدرت تعلق پیدا نمی‌کنه. خب پس خدا  
ضعیفه دیگه؟! خدا نمی‌تونه این کره رو داخل یک تخم مرغ  
کوچک قرار بده؟! می‌گیم خدا می‌تونه کره رو کوچک بکنه داخل  
تخم مرغ قرار بده، می‌تونه تخم مرغ رو اون قدر بزرگ بکنه، کره رو  
داخلش قرار بده! اما تخم مرغ به این کوچکی، کره به این بزرگی،  
این تخم مرغ، گنجایش ظرفیت و پذیرش این کره به این انبوهی  
رو نداره! این عجز، عجز فاعلی نیست، عجز قابلی! این قابل، این تخم  
مرغ ظرفیتش رو نداره! اگر نه خداوند این‌ها رو خلقش کرده! بله  
می‌تونه تخم مرغ رو اون قدر بزرگ بکنه که چی؟ زمین رو کوچک  
بکنه داخل این قرار بده! این عجز، عجز قابلی.



لذا این که نشدنی، دلیل بر عجز خدا نیست که! این تناقض! چیزه  
که محاله، نشدنیه. مثل این می‌مونه یک نفر بهش بگه که آقا! دو  
دوتا رو خدا می‌تونه بکنه پنج تا؟! دو دوتا بشه پنج تا؟! بعد می‌گه  
نه دو دوتا پنج تا نمی‌شه! می‌گه پس نمی‌تونه! خب این مشکل  
مثل این که به یک نفر پروفیسور ریاضه باشه بگه آقا دو دوتا رو  
می‌تونه بکنه پنج تا؟! می‌گه نه! من نمی‌تونم بکنم پنج تا. می‌گه  
پس تو سوادت به درد نمی‌خوره! ریاضه سرت نمی‌شه! می‌گه بابا  
دو و دو ظرفیت نداره بشه پنج تا! می‌شه چهارتا. این نشدنیه!

مگہ تو مرادت از دو یک عدد دیگہاے باشہ، یک چیز دیگہاے رو  
بخوای لحاظ بکنی. مراد از دو، یک دو بہ معنای واقعاً دو باشہ، یا  
دو بہ معنای دو و نیم باشہ، بگے دوتا دو و نیم می‌شہ پنج تا. اما  
واقعاً اگہ دو بہ معنای دو حساب بکنے کہ معدود ہم دوتا دوتا باشہ،  
می‌شہ چہارتا! این عجز نسبت بہ این محدودیت‌های ہست کہ  
در مورد اجسام ہست.

---

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَلَاحَ